

۹۸ - خلاصی از نفس و غرض و رهائی از خود وهوی

و نیز در کلمات مکنونه است قوله الاعلی: ای پسر روح قفس بشکن و چون همای عشق بهوای قدس پرواز کن و از نفس بگذر و با نَفَسِ رحمانی در فضای قدس ربّانی بیارام ... ای بنده من از بند ملک خود را رهائی بخش و از حبس نفس خود را آزاد کن وقت را غنیمت شمر زیرا که این وقت را دیگر نبینی و این زمان را هرگز نیابی ... ای فرزند کنیز من اگر سلطنت باقی بینی البتّه به کمال جدّ از ملک فانی درگذری و لکن ستر آن را حکمتها است و جلوّه این را رمزها جز افئده پاک ادراک ننماید .

و در لوح خطاب به شیخ نجفی اصفهانی است قوله الاعلی: یا شیخ از حق بطلب آذان و ابصار و افئده عالم را مقدّس فرماید و از هوای نفس حفظ نماید چه که غرض مرضی است بزرگ انسان را از عرفان حضرت موجود محروم مینماید و از تجلیات انوار نیر ایقان ممنوع میسازد از فضل و رحمت الهی سائل و آمل که این مانع اکبر را از میان بردارد انّه هو القوی الغالب القدير .